

امانت یا تاراج ؟

<http://www.iraneshomali.blogfa.com/post-131.aspx>

انتقال کتابخانه بقعه شیخ صفی به روسیه

کتابخانه بقعه شیخ صفی اردبیل یکی از گنجینه های فرهنگی و بی بدیل ملت ایران بود که بعد از اشغال سرزمینهای قفقازی ایران بخصوص منطقه ایران شمالی توسط ارتش متجاوز روسیه غارت گردید. گفته میشود کسی که مقامات روس و ارتش اشغالگر این کشور را به تاراج میراث فرهنگی ایرانیان در اردبیل تشویق و تحریک کرد ، " گریبایدوف " بود که در تنظیم متن معاهده ننگین ترکمانچای نیز نقش اساسی داشت . گریبایدوف بعد از تحمیل قرارداد ننگین گلستان به دولت قاجار ، به عنوان سفیر روسیه به تهران اعزام شد و در سالگرد انعقاد قرارداد یاد شده توسط مردم تهران به قتل رسید که به اعتقاد اغلب پژوهشگران ، قتل وی ناشی از خشمی بود که به واسطه انعقاد قرارداد ننگین ترکمانچای و از دست رفتن ایران شمالی در سینخ مردم انباشته شده بود . در هر حال اگر چه گریبایدوف به قتل رسید و نتوانست از خوش خدمتی های خود به دولت متجاوز روسیه بهره مند شود اما گنجینه ای فرهنگی که با تحریک و تشویق وی توسط ارتش روسیه از بقعه شیخ صفی اردبیل تاراج شده بود همچنان در روسیه نگهداری میشود . طی سالهای گذشته اخباری درباره کوششهای وزارت امور خارجه ، میراث فرهنگی و ارشاد اسلامی برای استرداد کتابهای بقعه شیخ صفی از روسیه و یا تهیه نسخه ای از آن کتابها منتشر گردید اما هنوز آن گنجینه بی بدیل در چنگ روسهاست همچنانکه ۱۷ شهر قفقازی ایران نیز هنوز به آغوش میهن باز نگشته است .

نوشته : جمشید کیان فر

یکی از مظاهر تمدن بشری کتاب و کتابخانه است. در سرزمین ایران نیز در تمامی دورانهای تاریخی، کتاب از احترام ویژه برخوردار بوده و ارزش والایی داشته است.

ابن ندیم در فهرست معروف خود از دو کتابخانه عصر ساسانی نام میبرد: یکی کتابخانه های که اردشیر و پسرش شاپور اول جمعآوری کرده بودند و دیگری کتابخانه های در گندی شاپور که برای دانشگاه آن شهر تأسیس شده بود.

در دوره اسلامی و در عصر حکومت هر یک از سلسله های حاکم بر ایران با نام کتابخانه های بسیاری برمیخوریم که از آن سلاطین یا وزرای دانشمند و دانشپور آنان بود. از آن جملهاند کتابخانه عضدالدوله دیلمی در شیراز، نوح بن منصور در بخارا، صاحب بن عباد در ری و کتابخانه های نظامیه در بغداد و نیشابور و ... که دانشمندی چون ابن سینا، مسعود سعد سلمان، بهزاد و ... در بخشی از عمر خود عهدهدار سمت کتابداری آن گنجینهها بودند.

کتابخانه های ایران را از بدو تأسیس تا عهد مشروطیت میتوان به چهار دسته تقسیم کرد.

۱- کتابخانه های پادشاهان و سلاطین.

۲- کتابخانه های شاهزادگان و وزراء و رجال.

۳- کتابخانه های علماء و دانشمندان به خصوص فقها.

۴- کتابخانه های مدارس و مساجد و بقاع و مزارات.

در این مقاله از کتابخانه های سخن به میان می‌آید که به گروه چهارم یعنی بقاع متبرکه تعلق داشته و آن عبارت است از کتابخانه بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی.

کتابخانه بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی در زمان حیات شیخ و با اهدای کتاب از طرف مریدان او که از اقصی نقاط، کتابهایی نفیس را به کتابخانه مراد خود تقدیم میکردند، تأسیس شد. شیخ صفی الدین اردبیلی جد اعلاي سلاطین صفوي است که در سال ۷۰۰ هـ. ق. جانشین و خلیفه شیخ زاهد گیلانی شد و در اردبیل طرح خانقاهی را پیافکند. وی همواره مورد احترام و توجه عموم و حتی سلاطین مغول بود. خواجه رشید الدین فضل الله همدانی، از اعظم وزرا و علمای عصر، در نامه‌ای به شیخ صفی، ضمن ارادت خویش حواله‌ای جهت مخارج خانقاه شیخ برای او فرستاده بود. (۱)

از آنجا که پیروان شیخ نزد او تعلیم مییافتند، خانقاهش مدرسه‌های برای ارشاد مریدان محسوب میشد و به همین دلیل، نخستین پایه کتابخانه بقعه در حیات وی ریخته شد. چون شیخ پس از مرگ در همان خانقاه آرامید، مدفن وی به زیارتگاه مریدان مبدل گشت و کتابخانه بقعه که محل اجتماع پیروانش بود، رونق بسزا یافت.

با روی کار آمدن صفویان و توجه سلاطین صفوي به آرامگاه جد خویش که مدفن اولاد شیخ نیز بود، اهمیت و شهرت بقعه شیخ بیشتر شد و سلاطین صفوي هر يك به سهم خود در رونق و آبادانی آن کوشیدند؛ به خصوص شاه عباس به دیدة تقدس بر آن محل نگرست و موقوفات فراوانی برای آن برقرار ساخت و نسخ نفیسی به کتابخانه بقعه اهدا و وقف کرد. مکتوب است که شاه عباس کتابهای فقهی و عربی و مذهبی خود را وقف کتابخانه آستان قدس و کتابهای فارسی و دواوین شعرا را، همراه چینی آلات و ظروف نفیسه، وقف بقعه جد خویش کرد. (۲)

کتابخانه بقعه، تا جنگ دوم ایران و روس در ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳ ق، که منجر به عهدنامه ترکمانچای شد، بعد از کتابخانه آستان قدس رضوي، قدیمیترین کتابخانه ایران بود که سالم برجای مانده بود. سیاحتی چون پیتروودلاواله (۱۰۲۸ ق/۱۶۱۹ م)، آدام اولناریوس (۱۰۴۷ ق/۱۶۳۷ م)، ژان باتیست تاورنیه (۱۰۸۸ ق/۱۶۷۷ م) و در عصر قاجار، جیمز موریه (۱۲۳۶ ق/۱۸۲۱ م) از این بقعه و کتابخانه‌ها دیدن کرده، هر يك مطالبی در سفرنامه‌های خود نگاشته‌اند که حکایت از نفاست و غنای فرهنگی نسخ آن کتابخانه دارد. آدام اولناریوس، ضمن بازدید از بقعه شیخ صفی، کتابخانه آن را چنین توصیف میکند:

«...از میان راهرو طرف راست به اطاقی بزرگ که با طلا بر روی دیوارهای آن نقش و تصویر انداخته بودند و شبیه عبادتگاه بود، هدایت شدیم. در اینجا اولین موضوعی که باعث شگفتی زیاد ما شد این بود که طاق گنبدی وسیع و هنرمندانه‌ای که بر این بقعه زده بودند ستونی نداشت. سقف گنبد را چند قسمت تشکیل میداد که به هم متصل بودند. تالار مزبور «جنت سرا» نام داشت که در آن کتابخانه‌های نیز موجود بود. کتابها به طور پراکنده در قفسه‌ها بر روی یکدیگر قرار داشتند، اکثر آنها به زبان عربی و تعدادی نیز به زبان فارسی و ترکی بود. اوراق چند جلد از این کتابها از پوست حیوانات و چند تایی دیگر از کاغذ بود که بسیار تمیز و زیبا بر آن نوشته بودند. در کتب تاریخی اشکال و تصاویر نقاشی شده بود. بر جلد کتابها، پوست دباغی شده بز یعنی تیماج سرخ رنگ کشیده بودند و با نقوشی از گل و شاخ و برگ گیاهان و درختان به طرز عالی و با طلا آرایش شده بود.» (۳)

متأسفانه در منابع و متون فارسی کمتر خبری از شرح بقعه و کتابخانه آن یافت میشود، تنها تني چند از نویسندگان و فضلا و ادبای ایرانی اشاره مختصری به کتابخانه بقعه دارند. از نویسندگان قرن دوازدهم تنها میرزا عبدالله افندی که از اعظم مورخان و مؤلفان آن دوره است، اشاره ای به این کتابخانه دارد. نامبرده در کتاب ریاض العلماء ضمن شرح حال امین الدین طبرسی مؤلف مجمع البیان - از کتب تفاسیر مشهور - مینویسد:

امین الدین کتابی به نام اسرار الامامه یا اسرار الأئمه تألیف نموده است و من [افندی] يك قسمتی از آن کتاب را در شهر رشت دیدم، ولي نسخه کامل آن کتاب در کتابخانه شیخ صفی الدین در اردبیل موجود است. (۴)

از نویسندگان قرن سیزدهم نیز شاید بتوان گفت که تنها دو نفر از ادبای عصر ناصري هر يك در تألیفات خود مختصر اشاره‌ای به کتابخانه بقعه کرده‌اند. نخست محمد تقی حکیم در کتاب گنج دانش؛ دوم محمد حسن خان اعتماد السلطنه /صنیع الدوله/ در کتاب مرآة البلدان. هر دو کتاب از کتب جغرافیایی است. ذیل کلمه اردبیل هر دو به يك مضمون آورده‌اند:

«اردبیل در زمان صفویه زیاد معمور و آباد بوده و موقوفات زیادی برای طلاب و محصلین قرار دادند. کتابخانه اردبیل در آن عصر معروف دنیا و اغلب کتاب آن به زبان عربی و قلیلی هم فارسی است و ترکی هم دارد و جلدشان غالباً طلا و هم نقره بوده ولي حالا چیزی از آنها باقی نیست.» (۵)

منبع هر دو مؤلف سفرنامهٔ آدام اولناریوس بوده و متأسفانه مؤلفان هیچ اشاره‌ای به اینکه بر کتابها چه گذشته و چرا «حالا چیزی از آنها باقی نیست» نمیکنند، تنها از طریق منابع روسی چون تاریخ روابط علمی شرق و اروپا و روسیه چاپ لنینگراد و کتاب گریبایدوف در گرجستان و ایران، تألیف گنی کولوپوف. چاپ بادکوبه و مکاتبات و اسناد آنها در میابیم که بر سر کتابهای کتابخانهٔ بقعه شیخ چه آمده و چرا «حالا از آنها چیزی باقی نمانده است».

کتابخانهٔ بقعهٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی پس از انقراض سلسله صفویه و بروز درگیریها از رونق افتاد؛ با این حال تا زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار و جنگ روسها با ایران، هنوز کتابخانه فعال بوده و کتابهای بسیاری در آن باقی بود. ولی در جریان دومین جنگهای ایران و روس، مجموعه‌های گرانبهای کتابخانه از بین رفت. تفصیل این اجمال را برای نخستین بار مرحوم عبدالعزیز جواهر کلام بدین شرح مینگارد:

«در ماه دسامبر ۱۸۲۷ قشون روس به سرگردگی پسکویچ و همراهی گریبایدوف شهر تبریز را تصرف نموده از طریق میانج (میانه) عازم تسخیر طهران بودند، تا دامنهٔ فتوحات خود را در ایران [همچون توسعهٔ متصرفات خود در دولت عثمانی] ادامه دهند. همان موقع مستشرق روس «سنکوسکی» به رئیس کل ارکان حرب قشون روس گراف دیبیچ شرحی نگاشته و تقاضا نمود که در این مسافرت از کتب خطی و آثار ادبی ایرانی نیز استفاده شود. انجام این وظیفه را پروفیسور سنکوسکی به عهدهٔ گریبایدوف که از نویسندگان و شعرای مشهور روس بود، واگذار کرد.

رئیس کل ارکان حرب عین مراسله و تقاضانامهٔ سنکوسکی را به نظر پسکویچ رسانیده و پسکویچ با گریبایدوف در این باب مشورت کرد. بالاخره بعد از تحقیقات زیاد معلوم شد که در ایروان و نخجوان کتابخانهٔ مهمی وجود ندارد و کتابخانهٔ عباس میرزا در تبریز اهمیت علمی نداشته و مجموعهای از کتب معاصر میباشد، ولی فقط در اردبیل مقداری کتب و رسائل خطی گرانبها در کتابخانهٔ جنب مقبرهٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی باقی است.» (۶)

به طور حتم گریبایدوف که از رجال سیاسی و ادبی عصر خویش بود از نوشتههای آدام اولناریوس، جیمز موریه و ... دربارهٔ کتابخانهٔ اردبیل آگاهی داشته و به همین دلیل از فکر کتابخانهٔ بقعه فارغ نبود و پیوسته در آرزوی تصاحب کتابخانهٔ بقعه به سر میبرد. به همین دلیل در زمان اشغال تبریز به دست قوای روس، در اندیشهٔ تصرف شهر اردبیل افتاد و آن را تنها راه حل معضل خود دانست. به نوشتهٔ جواهر کلام:

پیشنهاد سنکوسکی بیشتر او [گریبایدوف] را تهییج نمود و با آنکه اردبیل در فرونت (= جبهه) جنگ نبود و تصرف آن مستلزم مخارج و زحماتی بود، معذک بر حسب اصرار و تقاضای گریبایدوف یک عده قشون از قره‌باغ به طرف اردبیل عزیمت کرد. (۷)

لشکرکشی روسها از قره‌باغ به اردبیل شاید تنها لشکرکشی در تاریخ برای تسخیر و غصب گنجینهٔ علم و ادب بوده که با سیاست و یا منافع نظامی در جهان منافات داشته است. در هر صورت در ۲۵ ژانویهٔ ۱۸۲۸ م / ۲۶ جمادی الاخر ۱۲۴۳ ق - به هنگام مذاکرات صلح میان عباس میرزا و پاسکویچ - شهر اردبیل توسط قوای روس به فرماندهی ژنرال سوشتن و همراهی سرهنگ «سنیایون» محاصره و پس از اندک مقاومتی از طرف نیروهای نظامی محلی به تصرف روسها درآمد. سعید نفیسی در این مورد چنین مینویسد:

«در اطراف اردبیل چندین معدن مس هست که برای نیازمندیهای نظامی آن زمان اهمیت بسیار داشته، عباس میرزا با دستگیری مهندسان اروپایی، قلعهٔ آن شهر را ساخته بود که به گفتهٔ سوشتن برتریهایی چند بر قلاع دیگر ایران داشته است. علاوه بر آن در آن قلعهٔ علوفه و خواربار و تجهیزات نظامی فراوان ذخیره کرده بودند... لوازم توپخانه نیز در آنجا فراوان بود و با همه این برتریها دفاع از آن شهر برای لشکریان ایران دشوار شده بود. پسران عباس میرزا که فرمانده پادگان این شهر بودند و مردی ایتالیایی که «برناردی» نام داشت و فرمانده توپخانهٔ آنجا بود، شایستگی این کار را نداشتند.» (۸)

اشغالگران روس پس از تصرف این شهر علماء شهر را در یک محل جمع کرده و ایشان را از قصد و نیت پاسکویچ و گریبایدوف دربارهٔ انتقال کتابخانه آگاه کردند. گرچه علماء در آغاز مخالفت کردند و هر یک دربارهٔ وقفی بودن کتب کتابخانه داد سخن دادند، ولی خیلی زود متوجه شدند که گوش کسی به حرف آنان بدهکار نیست و از طرف حکومت و حکومتیان نیز کاری ساخته نیست. چه اگر میتوانستند شهر تبریز را حفظ میکردند - به اجبار به انتقال کتابهای کتابخانه تن در دادند و کتابخانه را تسلیم قوای نظامی روس کردند، مشروط بر اینکه پس از نسخه برداری آنها را به محل اصلی عودت دهند ۹

بالاخره کتابخانه به تصرف ژنرال روسی درآمد و از اوائل ماه فوریه / اواخر ماه رجب، دو دسته قشون سواره و پیاده کاروان کتابهای نفیس بقعهٔ شیخ صفی را از اردبیل تا تغلیس همراهی کردند و گریبایدوف به آرزوی خویش رسید.

آنچه از مفاد کتاب گریبایدوف در گرجستان و ایران برمیآید این است که کتابهای بقعه شیخ صفی به رسم امانت، جهت مطالعه به تفلیس برده شد؛ ولی متأسفانه دیری نپایید که کتابهای مزبور از کتابخانه سن پترزبورگ و موزه ارمیتاژ سردرآورد و در حال حاضر کتابهای یاد شده در کتابخانه لنینگراد «به رسم امانت»! موجود است، و امید است که همتی و تلاشی صورت گیرد تا هر چه زودتر این امانت به صاحب اصلی آن یعنی ملت ایران برگردانده شود.

همانگونه که گفته شد جواهر کلام نخستین کسی است که درباره این کتابخانه تحقیقات مفصل به عمل آورده و فهرستی شامل ۱۱۹ عنوان که پرفسور ژرژمار برای او ارسال داشته ارائه داده است که به قرار ذیل است: (۱۰)

عناوین جمعی از کتابهای دزدیده شده توسط روسها:

- ۱- مطلع خصوص الکلم في معاني فصوص الحكم، به زبان عربي در فلسفه/ تألیف محمد بن علي.
- ۲- اسماء الحسنی مع ترجمه به عربي/ تألیف سلطانعلی مشهدی [محتماً باید خط سلطانعلی باشد].
- ۳- اسناد مناجات مخمس - به عربي .
- ۴- صحیفه کامله/ تألیف عبدالله بن عمر - به عربي.
- ۵- طوابع الانوار و ماظلع الانظار/ تألیف بیضاوی - به عربي.
- ۶- شواکل الحورفي شرح هياكل الانوار. ۷- الاشارات و التنبيهات. ۸- کتاب الکناش المعروف به کتاب الفاخر تألیف محمد بن زکریا الرازی در طب. ۹- الجامع الکبیر المعروف بالحاوی، تألیف يحي بن سعيد هذلي حلي. ۱۰- مرقعات. ۱۱- مرقعات. ۱۲- مرقعات. ۱۳- روضه عين القضاء همدانی. ۱۴- کتاب علم تألیف غزالي. ۱۵- لوائح جامی. ۱۶- تحفة شاهی. ۱۷- مرقعات. ۱۸- مرقعات. ۱۹- مقالة خواجه انصاري. ۲۰- کیمیای سعادت غزالي. ۲۱- تاریخ طبري به فارسي. ۲۲- تاریخ طبري به فارسي. ۲۳- تاریخ طبري به فارسي. ۲۴- فردوس التواریخ. ۲۵- روضة الصفا میرخواند در یازده جلد. ۲۶- خلاصة الاخبار في بيان احوال الخیار تألیف خواندمیر. ۲۷- حبیب السیر. ۲۸- جواهر الخبر بوداق. ۲۹- جامع التواریخ رشید الدین. ۳۰- مرقعات. ۳۱- ظفرنامه تیموری. ۳۲- ظفرنامه تیموری ایضاً. ۳۳- مطلع السعدین و مجمع البحرین عبدالرزاق سمرقندی. ۳۴- ایضاً مطلع السعدین. ۳۵- صفوة الصفا ابن البزاز. بیاض مکالمه شاه طهماسب با ایلچیان. ۳۷- تاریخ شرفنامه. ۳۸- تاریخ المائر کالدررو الجواهر. ۳۹- روضة الاحباب في سيرة النبي والال و الاصحاب. ۴۰- مجمع الانساب. ۴۱- احسن الکبارفي معرفة الانمة الاطهار تألیف محمد بن زید بن عربشاه حسینی. ۴۴- احسن الکبارفي معرفة الانمة الاطهار جلد دوم. ۴۵- خلاصة الاشعار و زبدة الافکار. ۴۶- مجموعة شعراء. ۴۷- خمسة نظامي. ۴۸- دیوان اشعار. ۴۹- شاهنامه چهار نسخه. ۵۰- دیوان انوری. ۵۱- دیوان جامی. ۵۲- دیوان اشعار متفرقه (متعدد). ۵۳- خسرو و شیرین. ۵۴- انتخاب حدیقه حکیم سنائی. ۵۵- دیوان خاقانی. ۵۶- دیوان صیفي. ۵۷- دیوان عطار. ۵۸- دیوان کمال الدین. ۵۹- ایضاً. ۶۰- گلستان سعدي. ۶۱- کلمات. ۶۲- بوستان و انتخاب بوستان متعدد. ۶۳- گلشن راز. ۶۴- کلیات دهلوی. ۶۵- نظامي گنجوي متعدد. ۶۶- انتخاب دیوان خسرو. ۶۷- هشت بهشت. ۶۸- لیلی و مجنون. ۶۹- انتخاب خسرو و شیرین. ۷۰- خسرخان دولرانی. ۷۱- ترجیع بند جامی. ۷۲- دیوان امیر حسن دهلوی. ۷۳- زادالمسافرین. ۷۴- دیوان خواجو. ۷۵- دیوان ابن میمن. ۷۶- کتاب مهر و تستری تألیف عصار. ۷۷- ایضاً. ۷۸- کلیات عمادالملّة و الدین الفقیه الکرمانی. ۷۹- ایضاً. ۸۰- دیوان حافظ شیرازی. ۸۱- کلیات حکیم نزاری. ۸۲- دیوان کاتبی. ۸۳- غزلیات شاهی در سه نسخه. ۸۴- کتب سبعة جامی. ۸۵- تحفة الاحرار در سه مجلد (شعر). ۸۶- سبحة الابرار (نظم است) در دو مجلد. ۸۷- یوسف و زلیخا. ۸۸- سلسله الذهب اشعار فارسي. ۸۹- چهل حدیث جامی. ۹۰- دیوان اشعار. ۹۱- گوی و چوگان نسخ متعدده. ۹۲- ثمرنامه هاتفی جامی نسخ متعدده. ۹۳- شاهنامه هاتفی. ۹۴- هفت منظر نظامي. ۹۵- مرثیه. ۹۶- دیوان بابافغانی. ۹۷- دیوان سهیلی. ۹۸- دیوان آصف. ۹۹- رساله ملاسلطانعلی. ۱۰۰- قصاید و اشعار. ۱۰۱- آثار المظفر. ۱۰۲- شاهنامه شاه اسمعیل. ۱۰۳- شاه درویش هلالی. ۱۰۴- کلیات اهلی شیرازی. ۱۰۵- ایضاً. ۱۰۶- عقاید شاهی. ۱۰۷- کتاب مهر و وفا. ۱۰۸- ده نامه عماد فقیه. ۱۰۹- دیوان ماتی. ۱۱۰- حسن و دل. ۱۱۱- نزهة العاشقین. ۱۱۲- مرزباننامه. ۱۱۳- ترجمه الفرج بعدالشدّة و الضیقه. ۱۱۴- مرقعات. ۱۱۵- مرقعات و دواوین مختلفه در نظم و نثر ترکی. ۱۱۶- کلیات نوائی. ۱۱۷- خمسة امیر علیشیر نوائی. ۱۱۸- دیوان نوائی نسخ متعدده. ۱۱۹- اسکندرنامه.

در هر صورت بعد از این یغما از کتابخانه شیخ صفی چیزی باقی نماند، جز اوراق متفرقه و تعداد معدودی کتاب که يك بار در زمان ناصر الدین شاه، به هنگام تعمیر بقعه که به دستور وی انجام گرفت - به کتابخانه سلطنتی وقت منتقل شد. از آن جمله است ترجمه فارسی تفسیر معروف طبري که توسط حبیب یغمائی به چاپ رسیده است. صاحب جواهر کلام به هنگام

نگارش تاریخچه کتابخانه شیخ صفی - که اساس همین مقاله بوده - ضمن شرح به یغما / امانت !/ بردن نسخ کتابخانه شیخ میافزاید:

اوراق کتابهایی دیگری [هم] هست که توجهی به آنها نشده و بالاخره تلف و نابود میشود و اگر يك دو نفر مطلع دانشمند برای تحقیق و جستجوی این اوراق چه از طرف وزارت معارف و یا آنکه مستقلاً بروند بسیار نیکو و قابل تقدیر میباشد. (۱۱)

خوشبختانه این ندای صاحب جواهر را علی اصغر حکمت پاسخ مثبت داد و گروهی را جهت بررسی اوراق باقی مانده کتابخانه شیخ صفی به اردبیل اعزام داشت. این گروه پس از بررسی اوراق بازمانده از کتابخانه بقعه، به تعدادی نسخ نفیس که از دید نظامیان روس مخفی مانده بود، دسترسی پیدا کرد و تمامی اوراق و نسخ یاد شده را به تهران منتقل کرد که به دستور میرزا علی اصغر حکمت در اختیار موزه ایران باستان قرار گرفت. خوشبختانه اکنون نسخ و اوراق یاد شده در بخش اسلامی موزه محفوظ است که از آن میان به چند نسخه «شاهنامه فردوسی» و چهار مجلد از «صریح الملك» میتوان اشاره کرد.

نسخ انتقالی به بخش اسلامی موزه ایران باستان عبارتند از:

قران مجید و جزوه، ۸۵ مجلد، از قرن سوم تا قرن ۱۳ هجری از کاتبینی چون یاقوت مستعصمی، سهروردی (۷۰۴، ۷۰۶ ه. ق.)، یاقوت بن عبدالله (۶۶۸)، حاجی عمادالقاری الطاووسی (۸۰۷ ه. ق.)، عماد محلاتی، با خطوط خوش کوفی، ثلث، ریحان، نسخ، و از واقفینی چون شاه طهماسب صفوی، بهرام میرزا صفوی، حمزه میرزا، سلیم بیگلربیگی و کمال الدین علی بیگ.

از این مجموعه قرآنهاي خطي ۱۰ نسخه متعلق به قرن سوم و چهارم ه. ق است که روی پوست آهو با خط کوفی کتابت شده است.

دواوین شعرا، تاریخ و ...

شاهنامه فردوسی - الف) نسخهای به خط نستعلیق از درویش محمد مخلص با رقم ۸۹۵ به گواهی نظم همین مخلص در پایان نسخه، در دفتر موزه آمده که نسخه در ۴۰۰ هجری نوشته شده و محل کتابت آن دانسته نیست.

ب) نسخهای نستعلیق از ۹۳۸ ه. ق با ۴۳ مجلس و کاغذ اعلاي خانباغ و جلد ضربی وقف شاه عباس بر آستانه شیخ صفی.

ج) نسخهای بدون رقم و کاتب محتملاً از قرن دهم با ۱۸ تصویر مجلس.

د) نسخهای بدون رقم و کاتب محتملاً از قرن دهم با ۲۷ مجلس (وقفی شاه عباس بر آستانه شیخ صفی).

شاهنامه قاسمی اثر میرزا قاسم گنابادی، به خط نستعلیق از سده ۱۰، با ۱۱ مجلس، درباره کشور گشاییهای شاه طهماسب اول. این نسخه وقف شاه عباس بر آستانه شیخ صفی است.

چهار نسخه صریح الملك

این چهار نسخه همه در آستانه شیخ صفی بوده و مجموعه وقفنامههای رقبات موقوفات و اسناد املاکی است که برای آستانه شیخ صفی الدین خریداری شده و قاعدتاً همه به خط گردآورندگان آنهاست. دو نسخه به خط زین العابدین عبدي و عبدالؤمن بن صدرالدین محمد بن ناصرالدین احمد قوامی شیرزای با رقم ۹۷۵ و دو نسخه دیگر به خط محمد ظاهر سپاهانی با رقم ۱۰۳۸ در زمان صدارت و تولیت نواب شیخ شریف زاهدی در عصر شاه عباس صفوی است و يك نسخه از چهار نسخه صریح الملك به خط زین العابدین عبدي وقف شاه عباس بر آستانه است. نسخه دیگر از صریح الملك در کتابخانه ملی ایران است که به کتابخانه سلطنتی منتقل شده و به سال ۱۳۱۶، زمان افتتاح کتابخانه ملی ایران، جزء مجموعه انتقالی از کتابخانه سلطنتی به کتابخانه ملی منتقل شده است.

مجموعه نسخ انتقالي از بقعة شيخ صفي به بخش اسلامي موزه ايران باستان / موزه ملي، به استثنای قرآنها شامل ۸۵ مجلد است که همه از نسخ نفیس و عالی و مذهب محسوب میشود. در پایان این سخن، فهرست وار تنها به ذکر نسخ وقفي شاه عباس که به طور عمده در سالهاي ۱۰۱۷ و ۱۰۲۲ وقف شدهاند، اشاره میشود:

(۱) پنج گنج: خسمه نظامي به احتمالي از سده ۱۰ هـ. (۳ نسخه). (وقف ۱۰۱۷ هـ. ق.).

(۲) جنگ شعر: به احتمال از سده ۱۰ هـ. شامل غزلهاي از بساطي، جامي، جلال، عماد، ناصري، عصمت، کاتبی، شاهي، طوسي، خيالي و ابن يمین.

حبيب السیر: خواندمیر (۲ نسخه) وقف در ۱۰۱۷.

خلاصة التواريخ: میر منشي قاضي، میر احمد بن شرف الدين حسين حسيني ابراهيمي قمی وزیر خراسان و در گذشته در ۱۰۰۱ هـ. ق. نسخه در ۹۹۷ هـ. در کتابخانه شاه عباس بوده و او آن را بر آستانه شيخ صفي وقف کرده است.

ديوان خاقاني: (۲ نسخه). نسخه دوم نستعليق، شمس الدين بن ميرزا جان قزوینی ۹۹۸ هـ. وقف در ۱۰۱۷.

ديوان شاه اسماعيل خطايي صفوي: نستعليق، عيشي در سده ۱۰ هـ. وقف شاه عباس بر آستانه شيخ صفي در ۱۰۲۲ هـ. ق.

ديوان طالب آملی: نستعليق سده ۱۰ و ۱۱ هـ. با کاغذ الوان. وقف در ۱۰۱۷ هـ.

* ديوان عصمت بخارايي: نستعليق، سده ۱۰ وقف در ۱۰۱۷.

ذخيرة خوارزمشاهي: کاتب سيد اسماعيل گرگاني نسخ سده ۷ و ۸ و ترسيم، نستعليق در ۹۶۸.

روضه الصفا: ميرخواند، نسخ محمد بن شيخ امين الدين جهرمي از ۹۷۴ هـ. ق. نسخه جلد ۴ و ۵ و ۶ است (۴ نسخه). وقف در ۱۰۱۷.

(۹/۱) سيف النبوة يا مشهد الشهدا: حسين ندایي، نستعليق، قاسم بن علي از ۹۲۷ هـ. ق. ، وقف در ۱۰۲۲.

شاهنامه فردوسي: (۲ نسخه) که قبلاً شرح داده شد.

شاهنامه قاسمي: که شرح آن پيش از اين آمد.

صريح الملك: گردآوري در ۹۷۵ هـ. ق.

فتوحات شاهي: ابراهيم اميني: مقدمة الفتوحات مشتمل بر پنج فتح است و کتاب را اميني در هرات به سال ۹۲۷ کتابت کرده است. وقف در ۱۰۱۷.

فرهاد و شيرين: وحشي، نستعليق، از ۹۹۷ هـ. ق. ، وقف در ۱۰۲۲.

کامل التعبير: ابوالفضل جيش [حبيش!؟] بن ابراهيم تفليسي. نسخ علي شاه بن احمد شاه بن علي ضايح اصفهاني، رمضان ۷۳۷. وقف در ۱۰۱۷.

کليات سعدي: نستعليق شاه محمد کاتب. وقف ۱۰۱۷ (۲ نسخه) نسخه دوم: نستعليق از ۹۰۸ هـ. ق.

مثنوي معنوي: نستعليق احمد بن محمود از ۸۹۱ هـ. ق. وقف در ۱۰۱۷ (۲ نسخه) نسخه دوم: نستعليق به احتمال از سده ۱۰ هـ. ق.

مجمع التواريخ: حافظ ابرو. نستعليق، سده ۹ و ۱۰. وقف در ۱۰۱۷ هـ. ق.

مجموعه: نستعلیق، غیاث الدین بن ابراهیم معلم بلگجانی. وقف در ۱۰۱۷ هـ. نسخه را محمود قاجار فرمانروای نهند در ۱۲۵۴ خوانده است.

متن وقفنامه شاه عباس در آغاز نسخ بدین شرح است:

«وقف نمود این کتاب را کلب آستان علی بن ابی طالب علیه السلام عباس الصفوی بر آستانه منوره شاه صفی علیه الرحمه که هر که بخواد مشروط آنکه از آن آستان بیرون نبرند و هر که بیرون برد شریک خون امام حسین علیه السلام بوده است. ۱۰۱۷ [وقف].»

جای خوشبختی است که آقای دانش پژوه تمامی این نسخ را در نشریه نسخهای خطی، دفتر دوم سال ۱۳۴۱ فهرست کردهاند.

به امید آنکه روزی ملت ایران از آن توانایی برخوردار گردد که بتواند آنچه را که روسها از کتابخانه بقعه اردبیل به عنوان «امانت»؟! به یغما بردهاند به جایگاه اصلی خود بازگرداند.

پی نوشتها: _____

۱. تاریخچه کتابخانههای ایران از صدر اسلام تا عصر کنونی، از رکن الدین همایون فرخ، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، اداره کل نگارش، ۱۳۴۰ ج ۱، ص ۱۰۲.

۲. دانشنامه ایران و اسلام، ذیل کلمه اردبیل.

۳. سفرنامه آدام الناریوس به ایران، ترجمه احمد بهپور، تهران: ابتکار، ۱۳۶۲، ص ۱۲۷ تا ۱۳۰.

۴. ریاض علماء، عبدالله افندی، ج ۵، ذیل طبرسی. متن به عربی است.

۵. مرآة البلدان، اعماد السلطنه با تصحیح دکتر عبدالحسین نوانی و میرهاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸، زیر واژه اردبیل.

- گنج دانش، محمدتقی حکیم به کوشش دکتر محمد علی صوتی و جمشید کیان فر، تهران، زرین، ۱۳۶۷. ذیل واژه اردبیل.

۶. فهرست کتب وزارت معارف، عبدالعزیز جواهر کلام، تهران، وزارت معارف، ۱۳۲۴. ج ۲، ص ۷۱.

۷. همان، ص ۷۲.

۸. تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، سعید نفیسی، تهران، انتشارات بنیاد، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۱۶۷.

۹. همان، ص ۱۶۸.

۱۰. فهرست کتب وزارت معارف، ص ۷۳ تا ۷۶.



[/http://derafsh-kaviyani.com/parsi](http://derafsh-kaviyani.com/parsi)

derafsh-kaviyani.com

